

۱۵۴۴۵.

به نام خداوند جان و خرد

شاهنامه و فمینیسم

مؤلف: دکتر مهرزاد تنهایی

نشر باد

سرشناسه	:	تلخابی، مهري.
عنوان و نام پديدآور	:	شاهنامه و فمينيسم / مهري تلخابي.
مشخصات نشر	:	تهران: نشر باد، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهري	:	۲۳۱ ص. ۲۱/۵×۱۴/۵، م.س.
شابک	:	978-600-6527-60-4
وضعيت فهرست نويسي	:	فيا
يادداشت	:	کتابنامه .
موضوع	:	فردوسي، ابوالقاسم، ۳۲۹ - ۴۱۶ ق؟ -- شخصيت‌ها -- زنان
موضوع	:	Ferdowsi, Abolqasem -- Characters -- Women
موضوع	:	فردوسي، ابوالقاسم، ۳۲۹ - ۴۱۶ ق؟ . شاهنامه -- نقد و تفسير
موضوع	:	Ferdowsi, Abolqasem. Shahnameh -- Criticism and interpretation
موضوع	:	زنان در ادبيات
موضوع	:	Women in literature
رده بندي د کتبي	:	PIR ۱۳۹۶۴۴۹۶ ش ۲ / ت
رده بندي دهبي	:	۳۱/۱۵۸
شماره کتابشناسي ملي	:	۴۸۴۳۲۱۲



تلفن: ۰۹۱۲۰۳۸۰۸۶۸

شاهنامه و فمينيسم

مهري تلخابي

ويراستار: نيائش سرامي

نوبت چاپ نخست ۱۳۹۶ • شمارگان ۵۰۰ نسخه

قيمت ۱۶۰۰۰ تومان

شابک ۹۷۸-۶۰۰-۶۵۲۷-۶۰-۴

© حق چاپ: ۱۳۹۶، نشر باد

فهرست مطالب

۶	سخن آغازین
۱۰	مقدمه
۱۴	فصل اول: مدعیات تاریخی مادرسالاری و پدرسالاری
۱۵	مداخله
۱۵	۱- حکومت پدرسالاری
۱۹	۱-۱- زنان و نگاه زنان در جامعه کهن بدوی
۲۳	۱-۲- تکامل اجتماع و سقوط زن
۲۵	۱-۳- زمان سرپاشی زندگی قبیله‌ای و دوران مادرشاهی
۳۳	۲- حکومت پدرسالاری
۴۱	۳- حکومت مکمل زن مورد [نادر سالاری و نه مادرسالاری]
۴۳	فصل دوم: بخش اول: فمینیسم، بخش دوم: نقد فمینیستی
۴۴	بخش اول: فمینیسم (Feminism)
۴۸	۱- موج‌های فمینیسم: تاریخچه‌ای کوتاه
۵۰	۱-۱- موج اول
۵۴	۱-۲- موج دوم
۵۹	۱-۳- موج سوم
۶۱	۲- نگاهی گذرا به کارنامه خودآگاهی فمینیستی
۶۳	۳- نگرش‌های فمینیستی:
۶۳	۳-۱- فمینیسم لیبرالی
۶۵	۳-۲- فمینیسم مارکسیستی
۶۹	۳-۳- فمینیسم سوسیالیستی
۷۱	۳-۴- فمینیسم رادیکال
۷۳	۳-۵- نظریه فمینیستی روانکاوانه
۷۴	۳-۶- فمینیسم سیاه
۷۶	بخش دوم - نقد فمینیستی

- ۸۶ الف - زنان کنش مند
 ۸۷ ب - زنان منفعل
 ۸۹ تکمله - اهداف نقد فمینیستی

- ۹۲ فصل سوم: نقد فمینیستی شاهنامه
 ۹۳ مدخل؛ سخنی در باب نقد فمینیستی شاهنامه
 ۱۰۰ الف - زنان سپید
 ۱۰۳ ب - زنان سیاه
 ۱۰۳ ج - زنان خاکستری
 ۱۰۵ زنان شاهنامه
 ۱۰۵ ۱ - زنان سپید
 ۱۰۵ ۱ - ۱ - ایوانز شهرناز
 ۱۰۸ ۱ - ۲ - فرنگس
 ۱۱۳ ۱ - ۳ - سهیلا، رزبه، آزاده
 ۱۱۵ ۱ - ۴ - ماه آفرید
 ۱۱۶ ۱ - ۵ - مادر زال
 ۱۱۷ ۱ - ۶ - سیندخت
 ۱۲۲ ۱ - ۷ - رودابه
 ۱۲۸ ۱ - ۸ - تهمینه
 ۱۳۶ ۱ - ۹ - مادر سیاوش
 ۱۴۰ ۱ - ۱۰ - جریره
 ۱۴۶ ۱ - ۱۱ - فرنگیس
 ۱۵۰ ۱ - ۱۲ - بانو گشسب
 ۱۵۱ ۱ - ۱۳ - روشنگ و دلارا
 ۱۵۲ ۱ - ۱۴ - دختر کید هندی
 ۱۵۳ ۱ - ۱۵ - زنان رزمنده شهر هروم
 ۱۵۴ ۱ - ۱۶ - دختر هفتواد
 ۱۵۵ ۱ - ۱۷ - دختر اردوان
 ۱۵۷ ۱ - ۱۸ - دختر مهرک نوشزاد
 ۱۵۸ ۱ - ۱۹ - قیدافه
 ۱۶۰ ۱ - ۲۰ - نومه

- ۱۶۱ - ۱ - ۲۱ - چهار دختر مرد آسیابان
 ۱۶۲ - ۱ - ۲۲ - ماه آفرید، فرانک، شنبلید
 ۱۶۳ - ۱ - ۲۳ - زن مرد دهقان
 ۱۶۴ - ۱ - ۲۴ - آرزو
 ۱۶۶ - ۱ - ۲۵ - آزاده
 ۱۶۷ - ۱ - ۲۶ - سپینود
 ۱۶۹ - ۱ - ۲۷ - دختر خاقان
 ۱۷۰ - ۱ - ۲۸ - مادر گو و تلخند
 ۱۷۲ - ۱ - ۲۹ - دختر خاقان
 ۱۷۳ - ۱ - ۳۰ - رد انوشیروان
 ۱۷۳ - ۱ - ۳۱ - راکسری
 ۱۷۴ - ۱ - ۳۲ - مسموم
 ۱۷۵ - ۱ - ۳۳ - پوراندخت
 ۱۷۶ - ۱ - ۳۴ - آرمیدخت
 ۱۷۶ - ۲ - زنان خاکستری
 ۱۷۶ - ۲ - ۱ - گرد آفرید
 ۱۷۹ - ۲ - ۲ - سودابه
 ۱۹۰ - ۲ - ۳ - منبیره
 ۱۹۵ - ۲ - ۴ - کتابون
 ۲۰۱ - ۲ - ۵ - ناهید
 ۲۰۳ - ۲ - ۶ - همای چهارزاد
 ۲۰۷ - ۲ - ۷ - گلنار
 ۲۰۸ - ۲ - ۸ - کنیز نگهبان شاپور
 ۲۰۹ - ۲ - ۹ - مالکه
 ۲۱۱ - ۲ - ۱۰ - گردیه
 ۲۱۵ - ۲ - ۱۱ - زن بهرام سیاووشان
 ۲۱۷ - ۲ - ۱۲ - شیرین
 ۲۲۰ - ۳ - زنان سیاه
 ۲۲۱ - ۳ - ۱ - زن جادوی همراه سودابه

سخن آغازین

در این اثر بر آن بودم که به گونه‌ای فراگیر و بنیادین حماسه‌ی بزرگ ایران را بکاوم و تحلیلی سودمند و ژرف از منظر فمینیسم به دست دهم، اما ای دریغ، آنچه که اینک به نظاره آن نشستام، با آنچه که در ذهن من ماندشت، فاصله‌ای کران‌ناپدید یافته است. لحظاتی از کار، ایمانم را به زنان از دست می‌داد و این انگاره مرا تباہ می‌کرد. راهی که من در این اثر پیمودم، راهی تهی از هر حساسه گرم و رنگینی بود و من از راه نکاویده و پرفراز و نشیبی عبور می‌کردم که در مکان آن را به دور از منطق علمی و ارزش علمی می‌پنداشتند. فمینیسم حتر، برای بسیاری از زنان نیز، جز سرگرمی چیزی نیست و من اعتراف می‌کنم که غافل تحول این نگاه وارونه را ندارم.

در ابتدای کار، با تمامت بودن و شور و شرار و پویه‌ای عجیب، بر آن بودم که با سلاح شگفت فمینیسم، این آثار را رسوا کنم، چرا که فضای ادبیات فارسی را، همواره، زن ستیزانه می‌پنداشتیم، اما اینک پس از مدت‌ها زندگی با این اثر، فمینیسم به من یاد داد که، مهربان‌تر باشم. مردوسی با تصویر گردیده، غرور را در اعماق بودنم جاری کرد، با وجود سیاحت احساس می‌کردم که می‌توانم در برابر تحقیر دیگران از خود و زنان دفاع کنم، با وجود گرد آفرید، شادی در دلم می‌دمید؛ با سودابه، آمیخته‌ای می‌گشتم از شوق و درد؛ با کتایون، معنای درایت را می‌فهمیدم؛ با شیرین درمی‌یافتم که عشقی جاه‌طلبانه چیز دیگری است.

اعتراف می‌کنم لحظات خوشی را در این مدت با این زنان به تجربه نشستم و از این رو بر آنم که طنین آهنگین این لحظات، از لابه‌لای خطوط این اثر خود را نشان خواهد داد.

در جلد نخست این پژوهش، پیش از آن که به نقد فمینیستی بپردازم، فصلی آورده‌ام با عنوان مدعیات پدرسالاری و مادرسالاری، چرا که بر آنم، آگاهی از گذشته‌ی پرافتخار زنان، این تصوّر را در وجود آنان ایجاد می‌کند که مدعیانی را که تقدیر فیزیولوژیک را در دؤم کردن زنان مؤثر می‌دانند، مردود اعلام کنند. از سوی دیگر، این فصل، جاهای خالی ذهن مخاطب را نیز پر می‌کند این که چرا زنان، به یکباره، به خدمت گرفته شده‌اند و از تمامی حقوق فردی و اجتماعی محروم مانده‌اند، سئوالی است که پاسخ آن را در این فصل می‌زان جست. از سوی دیگر، در پی آمدن فصل دوم در پی این فصل، لااقل، ذهن نگارنده، بدین معنا است که زنان، قربانی هیچ‌گونه تقدیر مرموزی نیستند، چرا که فمینیسم، اگرچه پس از قرن‌ها سکوت نمودار می‌شود، اما در هر حال، نشان‌گیر این است که زنان آن گونه نیستند که به آنان تحمیل می‌شود.

پیکره فصل دوم را دو بخش تشکیل می‌دهد. بخش اول، فمینیسم و بخش دوم نقد فمینیستی. فلسفه در پی آمدن بخش دوم در پی بخش اول، از آن روست که این فمینیسم را چگونه انگخته و گداخته، در هر جا رسوخ می‌کند و چهره‌ای نو آئین می‌آفریند. در نقد فمینیستی ماهیت نقد تغییر نمی‌یابد، اما زاویه دیدی که از آن، نقد معنا می‌یابد، به نقد فمینیستی هویت شگرفی می‌بخشد. در فصل سوم، شاهنامه اثر فردوسی و رنگ از دیدگاه فمینیسم کاویده و زنان زیر عنوان زنان سپید، سیاه و خاکستری قرار داده می‌شوند. در تمامت این اثر، در پی آن بودم که بیان کنم، فمینیسم تهدیدی است بر نگاه مردانه‌ای که به زنان دوخته می‌شود و نیز در نقد فمینیستی این اثر سعی بر آن داشتم که همه‌ی آن نوع تاریخ و زندگی را که برای ما ساخته‌اند، به زیر سؤال برم.

در این پژوهش، به منابع بسیاری نگریستم، اما دریغ که یا با کتاب‌هایی روبه‌رو بودم که ناشایسته، برگردان شده بودند و توگویی به زبانی، غیر از زبان

پارسی نگاشته شده‌اند و یا کتاب‌هایی بودند که در حوزهٔ جامعه‌شناسی نگاشته شده‌اند و اگرچه، این آثار نیز بسیار سودمند و مفید بودند و مرا از لغزش می‌رهانیدند، اما در هر حال، ارتباط آن‌ها با ادبیات، قدری دشوار می‌نمود. در باب نقد فمینیستی، کاملاً بی‌بهره بودم و در این موضوع، افسوس که هرچه بیشتر جستجو کردم، کمتر یافتم. از این رو، در نقد فمینیستی این اثر به نیامی به برداشت‌های ذهنی خود و اصول کلی فمینیسم بسنده کرده‌ام.

در فهرست منابع، نام کتب بسیاری آمده است که من همه را از نظر گذرانده‌ام. اما افسوس که در باب فمینیسم، هر کتابی را که جستجو همان مطالب تکراری و نخ‌نما شده‌ای را یافتم که در دم دست‌ترین کتاب موجود می‌شد، یافت.

با این سحر، در پی آن نیستم که خود را توجیه کنم، بلکه بر آنم تا واقعیت تلخی را عریان سازم که همه از آن وحشت دارند. فمینیسم در اکثر کتاب‌هایی که من به بررسی‌اش پرداخته‌ام، بسیار بد فهمیده شده بود. تو گویی، فمینیسم ابلیسی است که رای گمراهی زنان آمده است و این حضرات با تمام وجود خود در پی آنند که این بد را را از زنان دور نمایند و زنان را به طهارت گذشته بازگردانند، اما اگر کسی انسانی به انسانیت‌اش وفادار باقی مانده باشد، اقرار می‌کند که فمینیسم، چیزی جز خود زندگی نیست و هیچ کس نمی‌تواند آن را از انسان بودنش و زندگی انسانی‌اش جدا کند.

نگارنده‌ی این سطور، با تمام هستی خویش، بر این اوست که زن بودن بدبختی است، اما این نکته را نیز خوب می‌داند که بدبختی، امری طبیعی نیست. باشد که این اثر روزنی باشد در برابر دیدگان نکته‌یاب مخاطبان به دنیای شگفت فمینیسم.

در پایان ناگزیر از این یادآوری‌ام که در گردآوری این نوشتار از دو کس می‌بایست از بن جان سپاسگزار باشم. نخست سیمون دوبووار،

رايمندزنی که همواره مرا به پيش راند و روحم را با نگاه دقيق، فلسفی و
تظام‌مند خود جادوانه برانگیخت
و ديگر از استاد فرهیخته روشن رای، دکتر قدمعلی سرامی به پاس
پایمردی و لطف بی دریغش.